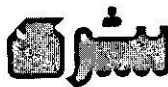


سورہ میری های سیمہ

گرد آورنده: احمد لطفی

www.ketab.ir



انتشارات پیشروی



انتشارات پیشوی

سوره‌میری‌های سیمره گردآورنده: احمد لطفی

ویراستار: آزاده امیری

طراح جلد و صفحه‌آرا: داریوش جعفری

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی انتشارات: تهران، کوهدشت، خیابان شهیدمطهری، بوستان بهار،

خیابان پروین اعتصام، کوچه نهال هشتم، پلاک ۱۳ کدپستی: ۶۸۴۱۸۵۵۱۷۷

تلفن: ۸۴۰ ۰۶۶۳۲۰ همراه: ۰۹۱۶۱۵۹۴۶۶۹

www.pishookpub.ir info@pishookpub.ir daryoush.jafari



کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی این اثر بر عهده ناشر محفوظ است.

سرشناسه	لطفی، احمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	سوره‌میری‌های سیمره / گردآورنده احمد لطفی؛ ویراستار آزاده امیری.
مشخصات نشر	کوهدشت: پیشوک، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۵۷۴۵-۸۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	سوره میری (ایل) Sorameri (Iranian tribe) ایلات و عشایر -- ایران -- ایلام (استان) omads -- Iran -- Ilam (Province)
رده بندی کنگره	DSR۷۲:
رده بندی دیویی	۹۵۵/۹۷:
شماره کتابشناسی ملی	۹۷۲۵۸۴۵:
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
پیشگفتار، تقدیر و تشکر.....	۱۱.....
مقدمه.....	۱۳.....
خواستگاه ایل سوره‌میری.....	۱۷.....
وجه تسمیه سوره‌میری.....	۲۰.....
معرفی مختصر سوره‌میری‌های الشتر.....	۲۴.....
سوره‌میری‌های بدان خلیل.....	۳۳.....
مروری بر اعقاب خاندان خلیل و همیعلی سوره‌میری در الشتر.....	۳۴.....
فرا ایل پراکنده تاریخ.....	۴۲.....
وجه تسمیه‌ی سرخه‌مهری.....	۴۳.....
جایگاه اصلی سرخه‌مهری‌ها.....	۴۷.....
علل انقراض این ایل.....	۴۷.....
دیدگاه یداله‌خان علوی درباره‌ی پراکندگی سرخه‌مهری‌ها.....	۴۸.....
طوایف و تیره‌های وابسته به ایل سرخه‌مهری.....	۴۹.....
مختصری درباره‌ی روستای پران‌پرویز.....	۵۱.....
نوروزحسین سوره‌میری پشتکوهی.....	۵۸.....
فرق دارد مامی با مامی.....	۶۲.....
الفبایی درباره‌ی کله‌رهای سوره‌میری نهاوند.....	۶۳.....
معمای ایل یا «کلان».....	۶۳.....
شجره‌نامه‌ی سوره‌میری‌های چم‌کلان و حومه.....	۶۹.....
ضمائم.....	۹۸.....
مختصری درباره‌ی جلگه‌ی چم‌کلان.....	۱۰۰.....

۱۰۰	چم کلان
۱۰۱	غلام آباد (سرخه مهری)
۱۰۳	وجه تسمیه ی چم کلان
۱۰۷	کدخدایان معروف جلگه ی چم کلان
۱۰۸	شاعران و نویسندگان جلگه ی چم کلان
۱۰۹	انسان شناسی جلگه ی چم کلان
۱۱۰	شهیدان جلگه ی چم کلان
۱۱۰	حسین علی خان سوره میری (متولد ۱۱۷۰ و متوفی به سال ۱۲۳۵ قمری)
۱۱۱	معمای ایل راکنده ی سوره میری
۱۱۵	نوشتاری به مناسبت ری یک مادر
۱۱۷	کربلایی عبود مقصودی
۱۲۱	تصاویر برخی شجره نامه ها، اسناد سنگ قبر و افراد سوره میری
۱۲۲	برگی از تاریخ سوره میری
۱۳۵	معرفی سوره میری های گیلان غرب
۱۳۷	وجه تسمیه ی گیلان
۱۳۸	سوره میری های گیلان غرب
۱۴۲	محصولات عمده ی کشاورزی گیلان غرب
۱۴۳	خصوصیات سوره میری های گیلان غرب
۱۴۳	سندی شفاهی برای ایل باستانی سوره میری
۱۴۶	قیام شامحمدیاری
۱۴۷	برخی از لشگری های سوره مهری
۱۴۷	لشگری های «ده آقا» الشتر
۱۵۱	هویت مختصر ساکنان «ده آقا»

- معرفی مختصر سوره‌میری‌های سنجابی ۱۵۳
- وجه تسمیه‌ی ایل سنجابی ۱۵۴
- چرا ایلات و طوایف پشتکوه و وابستگان آن‌ها پراکنده شده‌اند؟ ۱۵۵
- سوره‌میری‌های روستای دشت آباد دره‌شهر ۱۵۷
- سوره‌میری‌های دشت آباد از کجا آمده‌اند؟ ۱۵۸
- مشخصات فردی کرمی میرزایی ۱۶۰
- معرفی خاندان هُمیعلی (همتعلی، علی‌همی، یا اُمیعلی یا امیدعلی) سوره‌میری ۱۶۲
- نمایه‌ی تصویری برخی از رجال ایل سوره‌میری ۱۷۱
- شجره‌نامه‌ی نگارنده‌ی کتاب ۱۸۲

پیشگفتار، تقدیر و تشکر

سپاس خدایی را که یاریم داد تا نوشته‌های پراکنده‌ی بسیاری در مورد فرا ایل سوره‌میری، جمع‌آوری کنم و اکنون موفق شوم، مقالاتی چند و شجره‌نامه‌ی سوره‌میری‌های سیمره (دره شهر) و خواهرزاده‌های آن‌ها را با تصاویر برخی از ایشان، در کتابی تحت عنوان «سوره‌میری‌های سیمره» به زیور چاپ آراسته نمایم.

پیشاپیش از استاد داریوش جعفری که با حوصله در تنظیم و تصحیح این کتاب در انتشارات پیشوک (ناشر برگزیده‌ی لرستان) اینجانب را یاری دادند، ممنون و سپاسگزارم.

خمیرمایه‌ی این شجره‌نامه را از ریش سفیدان آبادی مان شادروانان؛ مرتضی عیدی، پنجشنبه میرزایی، محمدزاده، عبود مقصودی و عادل حسن بیگی جمع‌آوری کرده‌ام. اینجانب از دوستان جوانی مطالبی گردآوری کردم که بعدها سایر دوستان و اقوام از جمله محمد حسن بیگی، فرشاد محمدزاده، محمدرضا لطفی‌نیا، داراب مقصودی و بانو آمنه ریش در حد توان مرا یاری کردند. نام همه‌ی عزیزانی که به دیار ابدیت رفداند، با به نیکی یاد می‌کنم (رحمت واسعه‌ی الهی بر آن‌ها) و از ارجمندانی که در میدان حیات هستند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

همچنین از مشوقان دلسوزی همچون مهندس مجید رفیعیان، عزیز میرزایی، داراب مقصودی، محمد لطفی، نادر حسن بیگی، ابراهیم سلیمانی و سایر عزیزانی که علاقمند به چاپ این کتاب بودند، نهایت تقدیر و تشکر را دارم.

احمد لطفی

مقدمه

سخن گفتن و نگارش نقل قول‌های سینه به سینه و تاریخ شفاهی هر قوم و قبیله‌ای هرچند راهگشا و مهم است اما بسیار دشوار است؛ زیرا اولاً با گذشت زمان مطالب تاریخی و حوادث آن از طرف راویان ممکن است گرد فراموشی گرفته و حتی کم و زیاد شود، بنابراین اهل تاریخ از آن ایراد می‌گیرند و تا حدودی اعتماد و اطمینان خوانندگان کاهش می‌پذیرد. ثانیاً با توجه به انزوای فرهنگی و صعب‌العبور بودن مناطق و وضعیت معیشتی ایلات به‌ویژه در غرب کشور، از جمله ایلات استان‌های ایلام، لرستان و کرمانشاه، مدارک کافی در اختیار محققان بود و قرائن و شواهد نوشته شده، توسط محققان و نویسندگان همجوار، حداقل گویای آن حقیقت را آشکار و هویدا می‌کند. به همین خاطر سرگذشت برخی از ایلات و طوایف، در حاله‌ای از ابهام فرو رفته‌اند، که به اقتضای زمان و مکان و مهاجران و کوچ‌های اجباری و یا دلخواه، تاریخ آن‌ها نانوشته مانده یا سطحی جلوه می‌کنند. در حالی که برخی از ایلات که وارث تمدن ایران زمین هستند، مدام در حال دفاع و مهاجرت در سرزمین‌های امپراطوری بوده‌اند و زبان و لهجه و اسم‌فامی‌ها و نام‌های جدیدی به خود گرفته‌اند، تا آنجا که از گذشته و تاریخ پیوستگی این اجتماع‌های خویش تا حدودی غافل مانده‌اند و در قبایل و طوایف جدید هضم و با خودشان دارای تیره‌ها و نامگذاری جدید شده‌اند.

یکی از ایلات باستانی در کشور ایران که با ایلات چهار ستون لرستان یعنی بیران و باجول و سلسله و دلفان و ایلات پنج ستون ایلام و سایر ایلات از جمله جلالوند و زردلان و یزه‌وند و عالی و به، یا عالیگی و شوهان و کلهر و طرهان و گراوند و جاف و بوربور و لروند و بالوند و داجیوند و زنگنه و زینی‌وند و دیرکوند و جمیر و کاکاوند و شبانکاره و بختیاری و برخی از آذری‌ها و سنگسر‌ها و سرخه‌ای‌ها و سرخی‌های فارس و شیراز و فسا و خوزستان و... بی‌ارتباط نیست، ایل پراکنده‌ی «سرخه‌مهری» یا «سوره‌میری» است، که در اثنای تاریخ دودمان‌ها و تیره‌های آن تغییر کرده‌است و نام‌های جدیدی

به اقتضای شرایط و پیشامدهای تاریخی برای خود انتخاب کرده‌اند به طور مثال از زمانی که فرزندان شهمیر در ارکواز به دربار فتحعلی‌شاه راه پیدا می‌کنند با وجود این که موسی خمیس پهلوان و سردار ایرانی که از طایفه‌ی گرزدین‌وند ایل سوره‌میری به همراه سایر طوایف غرب کشور در نبرد با عثمانی به موفقیت‌هایی دست پیدا می‌کنند، تمام ارکواز و حواشی آن و با توجه به قلعه‌ای که در آن جا وجود دارد نام اکثر طوایف و زیر مجموعه‌های سوره‌میری تبدیل به ملکشاهی می‌شوند. در حال حاضر تیره‌ی باولنگ و خمیس و... اصل و نسب آن‌ها به ایل باستانی سوره‌میری بر می‌گردد از طرفی نیز با توجه به والی‌گری حسن خان که بر ایل سوره‌میری و ریزه‌وند فشارهایی می‌آورد بیشتر سرمجموعه‌های این دو ایل نام طایفه‌ی خود را تا حدودی عوض می‌کنند به طور پراکنده و گمنام در دل ایلات و طوایفی دیگر جای می‌گیرند تا آن جا که نگرنده پیگیری کرده‌است، برخی از سوره‌مهری‌ها در منطقه‌ی هلیلان و زردلان و در باب گنبد شاه محمد با نام طوایفی چون بالوند، لروند و داجیوند، مستوفی، شیخ، تنولی زندگی کرده‌اند و اکنون نیز در همان حوالی و شهرهای کرمانشاه و ایلام و اسلام‌آباد غرب زندگی می‌کنند. قبرستان سوره‌مهری‌های هلیلان و زردلان در منطقه‌ی شاه‌بداغ قرار داشته‌است، همچنین سردار یارمحمدخان زردلانی معروف به یار محمدخان کرمانشاهی از فعالان مشروطه بوده، که در طی سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۲۸۹ در رشیدی در نبردهای سختی از جمله در محاصره‌ی تبریز به یاری ستارخان و باقرخان شتافته‌است. این سردار بزرگوار از نسل پدری به سوره‌مهری و از نسل مادر به طایفه‌ی بالوند منتسب می‌شود که در واقع از نسل پدری و مادری به ایل باستانی سوره‌مهری ساسانی منتسب می‌شود. این شخصیت معروف در سال ۱۲۹۱ شمسی به دستور عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم کرمانشاه و عامل حکومت مرکزی در کرمانشاه به قتل رسید و به فوز عظمای شهادت نایل شد. آرامگاه وی در انبار اداره‌ی نقلیه‌ی بهداری کرمانشاه واقع شده‌است.

ایل سوره میری بر اثر نبرد با قاجاریه و بعدها با حسن خان والی، مجبور به مهاجرت شدند و جماعتی از آن‌ها به روستاهای بابا قاسم و ورائنه و بیون (بیون) نهاوند و برخی روستاهای ملایر در قالب ذوالفقاری و سورمیلی و سهرانی، سهرابی و چهاردولی و یکسری اسم فامیلی‌های دیگر وجود دارند. البته چهاردولی‌ها اصالتاً از شیروان و چرداول به آنجا مهاجرت کرده و شعبه‌ای از ایل ریزه‌وند هستند و یا شعبه‌ای نیز به طرهان و الشتر و دلفان رفتند و در قالب آبادی‌های مانند آدینه‌وند (آینه‌ون) و سوران و سوره‌مهری در «پشت تنگه سی‌آو» اسکان یافتند. برخی نیز در حواشی امامزاده بابا بزرگ تشکنی در میان شعباتی از اقوام دیرینه خود رفتند و برخی مانند طایفه اولاد قباد که نسل آن‌ها به قباد ساسانی برمی‌گردد و ایوتین (ایتیوند) و آزادبخت و شاه‌یوند به‌عنوان مریدان بابا بزرگ رنایه‌ی کوه‌دشت و دلفان پراکنده شدند، همچنین این ایل با نجابت به‌طور اقلیت در روستاهای پیران‌پرویز که نامش به دوران خسرو پرویز برمی‌گردد و روستای سرزمهر و سرآب هاشم‌بگ و منطقه‌ی شیرز همه نشان از این ایل انقلابی و شیعه‌سلک دارد. در الشتر روستاهای ده‌آقا و تملیه و کهریز و چم‌تکله و حواشی تپه‌گردن و ترمسوری زندگی کرده و می‌کنند. جماعتی به نام طایفه‌ی لشگری در الشتر و خرم‌آباد وجود دارند که اصالتاً سوره‌میری هستند. لشگری‌های سوره‌میری بیشتر در بدنه‌ی قدرت سیاسی و نظامی و سپاهیگری قبلاً فعالیت داشته‌اند و به این نام مشهور شده‌اند. گروهی از ایل سوره‌میری در حواشی بدره، دو شعبه می‌شوند یک گروه از آن‌ها به اندیشک می‌روند و در بین سگوند‌های خویشاوندشان، در روستای بابابهرام مهاجرت می‌کنند و گروه دیگر در حواشی کمالوند خرم‌آباد در بین سگوند‌های ایمان‌آباد می‌روند. آن‌ها به‌خاطر خویشاوندی با حاج عالی‌خان سگوند، همگی نام فامیلی سگوند را بر می‌گزینند و در این چند سال اخیر برخی از این سوره‌مهری‌ها فامیلی خود را عوض کرده‌اند؛ از جمله سعدی پدرام و برادرانش، که سعدی پدرام در خرم‌آباد دفتر وکالت دارد و مجتبی پدرام در شرکت نفت و گاز ایلام مشغول به کار هستند.

آنچه که از اقوال سینه به سینه بر می‌آید سوره‌میری‌های پیشکوه و پشتکوه دوبار جبهه‌بندی جدی سیاسی در چهار قرن اخیر داشته‌اند، یکی زمان صفویه، ابتدا حمایت همه جانبه از دولت صفوی دارند ولی از زمانی که سپاه قزلباش دست به غارت و کشتار و جرم می‌زند، سوره‌میری‌ها واکنش نشان می‌دهند و سر فرصت به یاری آخرین اتابکان لر یعنی شاهوردیخان می‌روند و با سایر قیام کنندگان ضرباتی به لشکر و سپاه صفوی وارد می‌کنند، به‌ویژه زمانی که دریافتند عده‌ای از آن‌ها قوانین شرع مقدس را رعایت نمی‌کنند و به نام تشیع خطاها و نواقصی دارند، به همین خاطر در آخرین نبرد، که در قلعه‌ی چنگوله واقع شد، صفوی آن‌ها را شکست می‌دهد و خیلی از آن شورشیان مبارز، به عراق می‌روند تا آنجا که دانشنامه‌ی آزاد یا ویکیپدیای عربی قدمت طایفه و عشیره آن‌ها را چهارصد سال نوشته‌است!

احمد لطفی

تابستان ۱۴۰۳